

تروریسم اسلامی، نه از قرآن بلکه از فقدان قرآن نشأت می گیرد

مسیحیان نیز باید از این امر آگاه باشند

نویسنده: دکتر نادر پورحسن

کشتن تعدادی از تروریستهای مسلمان، تعدادی از آنها را از میان خواهد برد، اما کشتن طرز تفکرشان همه آنها را از میان می برد.

کشتن تعدادی از تروریستهای مسلمان توان آنها را برای آسیب رساندن به مردم کاهش خواهد داد اما از میان بردن طرز تفکرشان توان آنها را به کلی زایل می کند.

بر خلاف عقیده روحانیون مسیحی و مسلمان، آگاهی از قرآن کلید نابودی این طرز تفکر خطرناک است. و من می توانم این امر را بدون تردید برای هر انسان معقولی ثابت کنم، نه به این خاطر که فرد باهوشی هستم بلکه به این دلیل که قرآن درباره رهنمود خود، که ۱۰۰ درصد با کتاب مقدس هم سوست، به زلالی آب است.

این نزاع نیازمند وحدت میان میلیونها مسلمان با خواهران و برادران یهودی و مسیحی‌شان است. از آنجا که میلیونها مسلمان صلح دوست در سراسر جهان وجود دارد، این امر تنها از طریق نمایان ساختن آیاتی که این ادعا را ثابت می کند، امکان پذیر می شود.

به رغم باورهای رایج در میان مسیحیان، آیات قرآن به روشنی نشان می دهند که قرآن (همچون کتاب مقدس) کتاب زندگی است نه کتاب مرگ.

در دنیای امروز، اکثریت مسلمانان تفاسیر دگرگون شده اسلام را از جانب روحانیون مورد اعتماد خود می پذیرند، و این تفاسیر هیچ ربطی به قرآن ندارند. مثال بسیار خوبی از این امر در دنیای مسیحیت، این عقیده رایج در میان کاتولیکها است که مجرد بودن را به عنوان لازمه کشیش شدن پذیرفته‌اند، با وجود آنکه رهبران آنها این قانون را تقریباً ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال پس از عیسی مسیح جعل کرده‌اند و هیچ کشیشی جرأت تحقیق کردن درباره آن را ندارد.

در برنامه‌های رادیویی اخیر خود از دیدن افراد تحصیل کرده‌ای که از قرآن سخن می گویند، اما مردم را درباره اسلام گمراه می کنند، بسیار ناامید شده ام. همه آنها تفسیر دگرگون شده روحانیون مسلمان را به کار می برند تا متون قرآنی را به هم بریزند، و تفاوت میان آیات قرآن و سنتها را نمی‌دانند. متأسفانه، آنها واقعیتهایی از این قبیل را تشخیص نمی دهند:

ایراد از قرآن نیست؛ ایراد فقدان آموزه‌های قرآن در اسلام امروز است.

من تلاش خواهم کرد (همان گونه که در ۲۰ سال گذشته کرده ام) تا با نقل چند آیه ساده، روحانیون اسلام را از فریب دادن مسلمانان باز دارم.

[یک تبصره کوچک برای یاد آوری:]

لطفاً به یاد داشته باشید که برای اثبات هر چیزی از قرآن به شخصی مسلمان، تنها به یک آیه که به روشنی چیزی را بیان کند نیاز خواهید داشت، و نه بیشتر. این امر بدین جهت است که مسلمانان به همه قرآن ایمان دارند و قرآن می گوید که در هیچ کجای آن تناقضی وجود ندارد. از این رو چنانچه کسی آیه‌ای را بیاورد که بر خلاف گفته شما باشد، از قرآن سلب صلاحیت کرده است.]

(۱)

روحانیون مسلمان در متقاعد کردن مسلمانان و غیر مسلمانان دربارهٔ اینکه قرآن می تواند به طرق زیادی تفسیر شده و اینکه پیامش نسبتاً پیچیده است، بسیار ماهر بوده‌اند. آنها چنین می‌کنند تا مسلمانان را بر آن دارند تا قرآن را برای خود نخوانده و خود نتیجه‌گیری نکنند.

ادعاهای قرآن ۱۰۰ درصد مخالف این ادعای روحانیون است:

(قرآن سوره ۲۸) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این است آیات کتاب روشنگر.

(قرآن سوره ۳۹) قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی عربی، بی‌هیچ کژی؛ باشد که آنان راه تقوا پویند.

برای آیات بیشتر به وب سایت (www.christianmuslim.org) رجوع کنید.

(۲)

روحانیون مسلمان استدلال خواهند کرد که فهم قرآن دشوار بوده و نیازمند تفسیر اندیشمندانه است، و ادعا می‌کنند که هیچ کس جز روحانیون نمی تواند از عهدهٔ این کار بر آید.

ادعاهای قرآن ۱۰۰ درصد مخالف این ادعای روحانیون است:

(قرآن سوره ۱۹) فَلَمَّا يَسِرْنَهُ بِلِسَانِكَ لَنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (۹۷)

در حقیقت، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید، و مردم ستیزه‌جو را بدان بیم دهی.

(قرآن سوره ۵۴) وَ لَقَدْ يَسْرُنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۱۷)

و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟

برای آیات بیشتر به وب سایت (www.christianmuslim.org) رجوع کنید.

(۳)

روحانیون مسلمان استدلال خواهند کرد که قرآن به زبان عربی بوده و هیچ کس بدون مهارت در زبان عربی نمی تواند آن را بفهمد. با این حال یک استاد ادبیات عربی را از بیان عقیدهٔ خود دربارهٔ معنای کلماتی که در قرآن به کار گرفته شده است، منع می‌کنند مگر آنکه ۱۰۰ درصد هم سوی با دید گاه‌های آنها باشد. آنها می‌خواهند که قرآن به طریقی ترجمه شود که نیازهای شخصی آنها را بر آورده کند.

کتاب مقدس عمدتاً به زبان عبری است، با بخش‌های کمی به زبان یونانی و اندکی به زبان آرامی: با این حال با موفقیت به بیش از ۱۲۰۰ زبان ترجمه شده است، اگرچه مارتین لوتر به دشواری توانست پاپ را برای این ترجمه‌ها مجاب کند. این ترجمه‌ها در سراسر جهان به اینکه آیات کتاب مقدس در همهٔ این زبانها معنای یکسانی دارند، شناخته شده‌اند. چنانچه کتاب مقدس، کتابی از جانب خداوند، بتواند ترجمه شود، ترجمهٔ قرآن نیز اگر کتابی از جانب خداوند باشد، باید کاری بسیار ساده بوده و به وسیلهٔ اساتید بی غرض دانشگاه انجام شود نه به وسیلهٔ روحانیون با غرض.

ادعاهای قرآن ۱۰۰ درصد مخالف این ادعای روحانیون است:

(قرآن سوره ۲۶) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱۹۵)

به زبان عربی روشن،

(قرآن سوره ۳۹) قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی عربی، بی هیچ کژی؛ باشد که آنان راه تقوا پویند.

(قرآن سوره ۴۱) كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند.

برای آیات بیشتر به وب سایت (www.christianmuslim.org) رجوع کنید.

(۴)

روحانیون مسلمان ادعا می‌کنند که آیات قرآن تغییر می‌کند (به اصطلاح منسوخ می‌شود). آنها با چنین توضیحات زیان باری خودشان و اسلام را به استهزاء می‌گیرند.

منسوخ شدن تنها زمانی است که قوانین خداوند تکمیل می‌شوند. راه خدا و خوب بودن و اینکه چه چیزی خوب است هرگز آیه به آیه تغییر نمی‌کند، نه در کتاب مقدس و نه در قرآن. راه خدا یکی است و از زمانی که خداوند زمین را آفریده است یکی بوده و تا پایان جهان نیز یکی خواهد بود.

ادعاهای قرآن ۱۰۰ درصد مخالف این ادعای روحانیون است:

(قرآن سوره ۵۰) مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدِيَّ وَ مَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ (۲۹)

پیش من حکم دگرگون نمی‌شود، و من [نسبت] به بندگانم بیدادگر نیستم. «

(قرآن سوره ۳۳) سَنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَ لَن تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَفْثِيلًا (۶۲)

در باره کسانی که پیشتر بوده‌اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است؛ و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.

(قرآن سوره ۴۸) سَنَّةَ اللَّهِ لِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَ لَن تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَفْثِيلًا (۲۳)

سنت الهی از پیش همین بوده، و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

از این گذشته، قرآن ادعا می‌کند که هیچ تناقضی در قرآن وجود ندارد، و اگر ما منسوخ شدن را آن گونه که روحانیون آن را توضیح می‌دهند بپذیریم، قرآن سرشار از تناقض خواهد بود.

(قرآن سوره ۴) أَفَلَا يُدَّبِرُونَ الْفُرْعَانَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۸۲)

آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.

برای آیات بیشتر به وب سایت (www.christianmuslim.org) رجوع کنید.

(۵)

روحانیون مسلمان ادعا می‌کنند که همه مسلمانان باید کافران را (حتی اگر بی گناه باشند) به نام خداوند به قتل برسانند، و ادعا می‌کنند که این امر در قرآن آمده است.

ادعاهای قرآن ۱۰۰ درصد مخالف این ادعای روحانیون است:

(قرآن سوره ۴) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد- و یکدیگر را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است.

(قرآن سوره ۱۷) وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا قَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِف فِي الْقَتْلِ لِمَنْ كَانَ مَنصُورًا (۳۳)
و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند، زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است.

برای آیات بیشتر به وب سایت (www.christianmuslim.org) رجوع کنید.

این ادعاهای روحانیون که در مقابل عبارات واقعی قرآن است می‌تواند همچنان ادامه یابد. من به بسیاری از آنها در سه کتاب پیشین خود و در وب سایتم اشاره کرده‌ام.

جالب است که برخی از روشنفکرانی که مخالف افراطیون مسلمان هستند، به اشتباه آموزه‌های قرآن را برای مشکلاتی که افراطیون به ما تحمیل کرده‌اند، سرزنش می‌کنند. این افراد با استفاده از سخنانی که از جانب رهبران دینی به نام خدا گسترش یافته است تا همه مسلمانان را تسلیم خواست آنها کند (به عنوان مثال، پوشش سر زنان که هیچ ربطی به قرآن ندارد)، قرآن را در هم می‌کوبند.

لطفاً به یاد داشته باشید که این نسل از روحانیون مسلمان همانند روحانیونی هستند که عیسی مسیح در تمام طول عمر خود آنها را ملامت کرده است:

کتاب مقدس-انجیل متی ۲۳:۳۴ لهذا الحال انبیا و حکما کاتبان نزد شما می فرستم و بعضی را خواهید کشت و به دار خواهید کشت و بعضی را در کنایس خود تازیانه زده از شهر به شهر خواهید راند. ۳۵ تا همه خونهای صادقان که بر زمین ریخته شد بر شما وارد آید. از خون هابیل صدیق تا خون زکریا ابن برحیا که او را در میان هیکل و مذبح کشتید. ۳۶ هر آینه به شما می گویم که این همه بر این طایفه خواهد آمد.

قرآن دقیقاً همین را ادعا می‌کند:

(قرآن سوره ۲) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَنَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ قَتَلْتُمُ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱)

و چون به آنان گفته شود: «به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید»، می‌گویند: «ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم.» و غیر آن را با آنکه [کاملاً] حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است- انکار می‌کنند. بگو: «اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این، پیامبران خدا را می‌کشتید؟»

و عیسی مسیح و حضرت محمد هر دو، درباره اینکه چرا این نسل از روحانیون نسبت به کتب آسمانی خود مرتکب خیانت می‌شوند، استدلال مشابهی را ارائه می‌کنند.

کتاب مقدس-انجیل متی ۱۵:۳ او در جواب ایشان گفت شما نیز به تقلید خویش از حکم خدا چرا تجاوز می کنید؟..... ۶..... پس به تقلید خود حکم خدا را باطل نموده آید.

(قرآن سوره ۵) وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَو لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۰۴)

و چون به آنان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید»، می‌گویند: «آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است.» آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند؟

اکنون تلاش من این است که به آمریکایی‌ها (که آنقدر مهربان بوده‌اند که مرا در سرزمین آزاد خود پذیرفته و مهمتر از آن اجازه تحصیل در دانشگاه‌های خود را به من داده‌اند) نشان دهم که قرآن طرفدار شما است. لطفاً اجازه دهید تا دو آیه مهم را به عنوان نمونه بیان کنم (اگر چه آیات زیادی در این باب وجود دارد) تا به سرعت بتوانید ببینید که ادعاهای من به هیچ وجه نادرست نیستند.

(قرآن سوره ۳) لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَلِيمَةٌ يُتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳) يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۴) وَمَا يَعْلَمُونَ خَيْرًا فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُفْعِينَ (۱۱۵)

[ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درستکار دارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند. (۱۱۳) به خدا و روز قیامت ایمان دارند؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند. (۱۱۴) و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند، و خداوند به [حال] تقواییشان داناست. (۱۱۵)

با این حال امّا، روشنفکرانی که

با من موافق هستند که افرادی چون اسامه بن لادن شیطان اند

با من موافق هستند که آمریکا سرزمین زیبایی آزادی است

با من موافق هستند که اسرائیل کشور متمدنی است که باید شناخته شود و

با من موافق هستند که گروه‌هایی چون حزب الله و حماس گروه‌هایی شیطانی اند،

با اینهمه موافقت، به نا روا به قرآن پشت کرده و قرآن را سرزنش می‌کنند و عقیده من در این زمینه برعکس آنها است.

این قرآن نبوده که طرز تفکر اسامه بن لادن را تا این حد پیچیده ساخته است، بلکه فقدان آموزه‌های قرآن بوده است که موجب پیدایش چنین طرز تفکراتی شده است.

این قرآن نبوده که حزب الله را به وجود آورده بلکه فقدان آموزه‌های قرآن بوده است.

این قرآن نبوده که حماس را به وجود آورده بلکه فقدان آموزه‌های قرآن بوده است.

از این رو لطفاً درست متوجه باشید تا انسانهای صلح دوست، همچون یهودیان موسی گونه زیبا، یا مسیحیان عیسی گونه خوش قلب، و آری، مسلمانان محمد گونه خوش رفتاری که انسانهای آرامی هستند بتوانند در یک سو قرار گیرند.

پیروان ادیان ابراهیمی، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان همه خواهر و برادراند، از این رو اجازه ندهید که افرادی چون اسامه بن لادن باعث شوند که کسانی چون کشیش فرانکلین گراهام همه مسلمانان را شیطانی خوانده و موجب جنگ میان ما شوند.

یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، مؤمنان به یک خداونداند. یهودیان به یک خدا ایمان داشته، مسیحیان به یک خدا ایمان داشته و مسلمانان به یک خدا ایمان دارند. مسیحیان خداوند را با تثلیث توصیف کرده و مسلمانان و یهودیان با آن مخالفت می کنند، اما باید در نهایت ادب چنین کنند. لطفاً توجه کنید:

(قرآن سوره ۲۹) وَ لَا تَجِدُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ لِنَا وَ إِلَيْكُمْ وَجَدَّ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)
و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید - مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند - و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم. »

و مسیحیان نباید طرز فکر و ایمان خود را دلیلی قرار دهند برای ترک برادران و خواهران یهودی و مسلمان خود.

آیا مسیحیان معتقداند که عیسی آنقدر بی رحم است که کسانی را که عیسی را خدای خود نخوانده اند، حتی اگر به دلیل نا آگاهی از اینکه عیسی که بوده است چنین کرده اند، نجات ندهد (انحراف ذهن مسلمانان، صفحه ۲۶-۲۷)؟ اجازه دهید که خدای خود را به هر طریق که مایلیم توصیف کنیم اما بگذاریم که اعمالمان نشان دهد که چه انسان خدا دوستی هستیم (رساله یعقوب ۲۴-۱۸: ۲ و قرآن ۱۲۳: ۴).

بگذارید یهودیان و مسلمانان به خداوند به عنوان خدای واحد و یگانه اندیشیده و مسیحیان به عنوان خدایی سه گانه ببانیدند. چه اهمیتی دارد که ما چگونه به خداوند می اندیشیم؛ کار خداوند است که در این باره ما را داوری کند. بگذارید این امر را که همه ما باید خوب باشیم تا خوشحالی را برای انسانها به ارمغان آوریم، گرامی بداریم، و (دین مان هر چه که باشد) این به تنهایی خداوند را از همه ما خوشنود خواهد ساخت. این چیزی است که از پدر اصلی ما، حضرت ابراهیم، آغاز شده است. و عیسی مسیح به خوبی روشن ساخته است که برای خدایی بودن باید روشنای جهان باشیم نه آتش آن:

کتاب مقدس-انجیل متی ۱۴: ۵ شما نور عالمید شهری که بر کوهی بنا شود نتوان پنهان کرد. ۱۵ و چراغ را نمی افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند بلکه تا بر چراغ دان گذارند آنگاه به همه ی کسانی که در خانه باشند روشنایی می بخشد. ۱۶ همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.

قرآن به مسلمانان می آموزد که آنچه را که عیسی به پیروان خود آموزش داد انجام دهند، که پاسخ دادن با خوبی به کسانی است که در حق شما بدی می کنند. لطفاً توجه کنید:

(قرآن سوره ۲۳) ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَبِّءُ أَغْلَمَ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶)
بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند داننا تریم.

(قرآن سوره ۴۱) وَ لَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَ لَا الْا لْسِيَّةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَلَّا وَلِيٍّ حَمِيمٍ (۳۴)
و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.

اجازه ندهید که هیچ مسیحی بگوید که یهودیان و مسلمانان به این دلیل که مسیح را به عنوان خدای خود نپذیرفته اند به دوزخ خواهند رفت. این قضاوت کردن یکدیگر بوده و این کار روا نیست (انجیل متی ۲-۱: ۷)

اجازه ندهید که هیچ مسلمانی بگوید که یهودیان و مسیحیان به این دلیل که حضرت محمد را نمی پذیرند به دوزخ خواهند رفت. موضوع حضرت محمد نیست (قرآن ۱۴۴:۳)، بلکه خداوند و انجام کارهای نیک است، همان طور که قرآن بیش از ۷۰ بار (به عنوان مثال قرآن ۳۴:۴) به این امر بسیار مهم اشاره کرده است.

چرا ما تلاش می کنیم تا آیاتی از کتاب مقدس و قرآن را بیابیم که با آن یکدیگر را بگوییم، در حالی که شمار آیات مشترک در میان ما بسیار زیاد است (کتاب مقدس خداوند، فصل ۲-۳)؟

ما در جهان امروز نیاز به این نداریم که مسیحیان به طور دائم بگویند که قرآن کتاب نفرت است در حالی که قرآن که هیچ، حتی کتاب مقدس خود را نیز نخوانده اند. این چیزی است که اسامه بن لادن های جهان انجام می دهند تا مسلمانان را فریب دهند، چرا که می دانند مسلمانان نیز قرآن را برای خود نمی خوانند و از این رو نتیجه مورد نظر خود را می گیرند.

از این گذشته، ما در جهان امروز به افراطیون مسلمانی که به قرآن خیانت کرده و آیات را خارج از متن به کار می برند، همچون مسیحیانی که قرآن را به دلیلی متفاوت در هم می کویند، نیازی نداریم.

گروه اول (اسامه های جهان) می خواهند آیات را خارج از متن به کار ببرند تا کشتن افراد بی گناه را ترویج دهند، در حالی که دیگران چنین اعمال خشونت آمیزی را محکوم می کنند. هر دو ابزار نادرستی را به کار می برند و در مورد افراطیون مسلمان، برای دلیلی نادرست.

زمان آن است که یهودیان، مسیحیان و مسلمانان شجاع، فکر خود را به کار گرفته و به خود اجازه ندهند که در برانگیختن راه خدا بی فکر شوند. امروز برخی از بی ایمانان خداوند را خوشنودتر می سازند، در حقیقت به این دلیل که اعمال آنها بسیار دوستانه تر از مؤمنان به خداوند است. هیچ انسان دین داری نباید بدون استفاده از فکر خود پیش برود. ایمان کورکورانه برای مردم کور دل است نه روشنفکر.

کتاب مقدس-امثال سلیمان ۱:۷ ترس یهوه آغاز علم است. لیکن جاهلان حکمت و ادب را خوار می شمارند.

قرآن سوره (۸) إِنَّ شَرَّ النَّوَابِ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْكُفُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲)
بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که عقل بکار نمی برند.

تشخیص ندادن این واقعیت که موسی، عیسی و محمد همگی تقلا می کنند تا درباره خدای یگانه آگاهی دهند، و اینکه اگر امروز زنده بودند، همچون عیسی و یحیای تعمید دهنده دوستان صمیمی یکدیگر بودند، بی اعتنائی زیادی می طلبد. از این رو چرا پیروان این سه پیامبر چنین نمی کنند؟ اجازه ندهید که شیطان در این مورد نیز پیروز شود. شیطان در همه نزاعهایی را که هیچ نامی از خداوند در آنها برده نمی شود پیروز می شود، از این رو چرا اجازه دهیم که در این مورد که کاملاً مربوط به خداوند می شود پیروز شود؟ از این روست که پیامبران فرستاده شده اند، برای آنکه کار شیطان را از میان ببرند.

کتاب مقدس-رساله اول یوحنا ۳:۸ از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد.

پس از با دقت خواندن همه کتاب مقدس و قرآن و پس از ملاحظه محتاطانه همه کتاب مقدس و قرآن، دین خود را مسلمان مسیحی اعلام کرده ام و امروز، هم برای افتخار کردن و هم برای متأسف شدن از هر دوی آنها دلیل دارم.

از مسلمان بودن متأسفم

چرا که گروه (اقلیت) مسلمانان افراطی این همه ننگ را برای اسلام، قرآن و حضرت محمد به همراه آورده اند. از این گذشته، آنها به نام خداوند تصویر زشتی از قرآن ارائه داده اند (به عنوان مثال جمهوری اسلامی ایران). روحانیون مسلمانی که آنها نیز اقلیت هستند، اکثریت مسلمانان امروز را گمراه می کنند، و این مشکل بزرگی است.

از مسیحی بودن متأسفم

چرا که اقلیت رهبران دینی امروز این دین، به اشتباه و بدون مطالعه عمیق قرآن، قرآن را کتابی شیطنی می خوانند (به عنوان مثال کشیش فرانکلین گراهام). آنها آنقدر بر اندیشه " بپذیرید که عیسی خدا است یا به دوزخ خواهید رفت" تمرکز کرده اند که پیام زیبای عیسی مسیح (انجیل متی ۵:۱ تا متی ۸:۱) فراموش شده یا نسبت به مفهوم "خدا بودن عیسی" در اولویت دوم قرار گرفته است و اغلب آنها نسبت به محتوای قرآن نادان و بی سواد بوده و از این رو قرآن را کتابی شیطنی می خوانند. آنها نیز همچون اسامه بن لادن های جهان موضوعی از قرآن را خارج از متن برداشته و به نفع خود به کار می برند.

به مسلمان بودن افتخار می کنم

چرا که تنها یک مسلمان باید همه کتب خداوند را به طور مساوی و خدای یگانه را بدون پیچیدگی بپذیرد. و معرفت به قرآن همه پیچیدگی های ادیان ابراهیمی را از میان برده و همه آنها را به کلی روشن می سازد. اینکه خداوند کسیت و از ما چه می خواهد همچون قطعه ای گم شده از این معمای شگرف است. خوب است که مسلمان باشید و بدانید که قرآن بیش از ۷۰ بار تکرار می کند که به عنوان یک مسلمان تنها زمانی می توانید وارد بهشت شوید که ۱) به خدا ایمان داشته باشید و ۲) در همه روزهای عمر خود کارهای نیک انجام دهید (به عنوان مثال قرآن ۳۴:۴). عمل شما نشان دهنده این است که چقدر به خداوند ایمان دارید، نه بالعکس.

و همچنین

به مسیحی بودن افتخار می کنم

چرا که از میان هر سه شاخه دین ابراهیمی، تنها مسیحیت به پا خاسته و عشق به دشمنان خود را موعظه می کند. در قرآن نیز به این خصوصیت نیرومند اشاره شده است، چرا که خداوند از این بابت از آنها بسیار خوشنود است: (قرآن ۱۱۳-۱۱۵). تنها لازمه مسیحی بودن بنا بر گفته عیسی مسیح این است:

کتاب مقدس-انجیل متی ۷:۱۲ لهذا آنچه که مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید زیرا این است تورات و صحف انبیا.

و اما آیه فوق به شکل اندک متفاوتی به وسیله عیسی تکرار شده است:

کتاب مقدس-انجیل متی ۲۲:۳۷ عیسی وی را گفت اینکه خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما. ۳۸ این است حکم اول و اعظم. ۳۹ و دوم مثل آن است یعنی همسایه خود را مثل خود محبت نما. ۴۰ بدین دو حکم تمام تورات و صحف انبیا متعلق است.

از آنجا که این لازمه برای مسیحی بودن چیزی است که در پی آنم، خود را به همان اندازه که مسلمانم، مسیحی می دانم. می دانم که مسیحیان هرگز این را نخواهند پذیرفت.

خبر خوب دربارهٔ مسلمان مسیحی بودن این است که مسیحیانی که هرگز نخواهند پذیرفت که هم مسیحی و هم مسلمان باشم، مرا تنها به عنوان یک "شخص گمراه شده" خواهند دید و در پاسخ تنها برایم دعا کرده و به من آسیبی نخواهند رسانند. خبر بد دربارهٔ مسلمان مسیحی بودن این است که مسلمانان (افراطی) جهان در پی من خواهند بود تا مرا کشته و از بسط دادن هر خبر خوبی که همهٔ مسلمانان جهان را از قوانین خشن روحانیون رها سازد، متوقف کنند. روحانیون مسلمان هر گاه با مخالفانی که بیش از حد منطقی‌اند روبرو می‌شوند یک راه حل ساده و سریع دارند: در پی آن‌اند که آن شخص را بکشند (نمونهٔ آن کشتارهای وحشیانه در ایران و واکنش روحانیون این کشور به شخصیت‌های برجسته‌ای چون دکتر سروش است).

باشد که رحمت خداوند زمین را فرا گرفته و شامل حال همه شود، و باشد که دست شیطان از زمین کوتاه شود تا انسانها بتوانند بر اساس تصویر خداوند زندگی کنند.